

نامه شاه سلیمان پادشاه اسپانیا

جلالاً للسلطنه والابهدوالحشمته والبساله والشوكته والنهامه والعزوالامتنان
كارلوس پادشاه عالیحضرت سامی رقیبت سلطنت و جلالت پناه شوکت و ابهت
دستگاه بسالت ونصفت انتباء حشمت وشهامت اکتناه متمکن مسند حکمرانی
متکی وساده فرمانروائی عمده سلاطین صاحب نگین مسیحیه زیده خواقین
باعز و تمکین عیسویه فرازنده افسر نامداری برازنده تخت کامکاری پادشاه والاجاه
بلندبار گاه را بعد از تبلیغ لوازم مصادقت ووداد قدیمی و تمهید مراسم مؤالفت
واتحاد موروثی مکشوف رأی ملک آراء میگرداند که نامه مودت ختامه که
درینوقت مشتمل تاسیس مبانی دوستی قدیم ارسال داشته بودند در وقتی که
ابواب کاهرانی برچهره آمال وامانی باز بود وارد گردید و موجب تشیید مبانی
دوستی وولا گردید . شرحی که در باب شراکت عنشور هر موز و کسر رسد
سنوات متعلقه بسر کار آن سلطنت و جلالت پناه نوشته شده بوده در مرآت اطلاع
صورت انطباق و وحصول یافت بر ضمیر منیر صداقت تخمیر مخفی وستیر نخواهد
بود که معتمدان و کارکنان سنوات قبل از جلوس میمنت مانوس بر اورنگ سلطنت
ومسند عدالت و جلالت هر ساله از طرفین قطع و فصل امر مزبور نموده اند و از
تاریخی که وساده فرمانفرمائی از فر جلوس نواب همایون مازیب و زینت یافته

با آنکه در فرمان واجب الاذعان نواب کیتیستان فردوس مکان جد بزرگوارم شاه عباس ماضی اعلیٰ فی الخلد مقامه در طی شروطی که فرموده اند قید است که پیوسته ایلچی بزرگ یا کوچک از طرف قرین اشرف در دربار والا بوده باشد و نبوده این معنی را منظور نظر کیه یا اثر نداشته، آنچه لازم رعایت دوستی و یکجتهی بوده بعمل آمده درین وقت نیز رقم اشرف، که رسد مقرر ایشانرا بلا قصور واصل سازند مشتمل بر تأکید صادر گردید و با آنکه مقرر است که کپیتان و وکلاء ماسرکار عالی اموال سایر قجار را داخل اموال خود نمایند و هر ساله جماعت مزبوره اموال جمعی کثیر از تجار را در آمدن و رفتن داخل اموال خود نموده گذرانید و ازین رهگذر مبلغهای کلی انتفاع یافته اند بنا بر رعایت یکتا دلی در این باب نیز مضایقه و از اجناس ایشان نیز راهداری که مبلغهای کلی میشود باز یافت نشده و اگر و کلاء آن جناب بنا بر مطالب و اغراض خود و بعلت مناقشه که ضابطان در باب اینکه اموال تجار را داخل اموال خود مینمایند نموده اند بمسامع جلال رسانیده باشند که ضابطان حال بنادر زیاده از آنچه بوکلاء عالی واصل ساخته اند جهت سرکار خاصه شریفه ضبط نموده اند جهت زیادتی و اختلاف اینست که وجوه عشور و سایر وجوهات کل بنادر عباسی و کنگ و نخیلو و عسلو و ریشهر و خارک و سایر بنادر فارسی که هر یک در سنوات، ضابط علیحده داشته اند الحال بضبط ضابط مزبور مقرر است و شرکت و کلاء آنسرکار عالی مقدار [د] ر بندر عباس و توابع آنست نه در سایر بنادر و طیارات و کپرو مالو جهات و عملات و خروج نیز ایشانرا شراکتی نیست نه آنکه در رسد سرکار والا حیف و میلی شده باشد اگر حیف و میلی شده باشد و کلاء سر [ک] عالی نموده خواهند بود. پیوسته فاتح ابواب یگانگی و یکجتهی بوده بموجب شروط مقرر مقرر دارند که ایلچی بزرگ یا کوچک آمده در درگاه فلک پیشگاه باشد و مکنونات خاطر و مرغوبات ضمیر را بموقف ابلاغ و اعلام رسانند که کارکنان دولت الا بانجام آن مأمور گردند